



اگر کسی که فتوای خراب کردن مسجد الحرام را صادر کرد شیعه بود چه اتفاقی می افتاد؟

وقتی عدالت از اصول حکومت یک ملت و معیارهای اخلاقی و عقلی یا سیاست آن کنار گذاشته شود...

وقتی عدالت از اصول حکومت یک ملت و معیارهای اخلاقی و عقلی یا سیاست آن کنار گذاشته شود، آن ملت باید در انتظار ویرانی، مرگ و خشم الهی باشد که چون سیلی خروشان بر سرش نازل می شود. خداوند آن ملت را به عذاب مذلت در میان سایر ملتها و اقوام و امت ها دچار می کند و شرورترین مخلوقاتش در جهان را بر آنان مسلط و مقدر می گرداند!!

صدای شیعه: وقتی عدالت از اصول حکومت یک ملت و معیارهای اخلاقی و عقلی یا سیاست آن کنار گذاشته شود، آن ملت باید در انتظار ویرانی، مرگ و خشم الهی باشد که چون سیلی خروشان بر سرش نازل می شود. خداوند آن ملت را به عذاب مذلت در میان سایر ملتها و اقوام و امت ها دچار می کند و شرورترین مخلوقاتش در جهان را بر آنان مسلط و مقدر می گرداند!!

چرا که برپایی آسمانها و زمین به واسطه عدل است، چنانچه در حدیث شریف وارد شده و قرآن کریم نیز به همه مردم فرمان داده و می فرماید: **ان الله يامرکم ان تؤدوا الامانت الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل**؛ و رفتار شریعت اسلام با مخالفان و کفار و غیرمومنان با عدالت صورت می گیرد زیرا خداوند متعال می فرماید: **ان الله یحب الی الذین امنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شنآن قوم علی ألا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی**؛ تا عدل را با دشمنان و کسانی که با آنها بغض می ورزیم نشانه تقوی و دروغ و ظلم و خیانت را حتی با دشمنانمان نشانه عدم ایمان به خدا و روز قیامت بدانند. خداوند سبحان می فرماید: **انما یفتري الکذب الذین لایؤمنوا بآیات الله واولئک هم الکاذبون**؛

از این رو عدالت، از منظر حکومت و اخلاق و سلوک و روش و معیارها، در مدرسه اهل بیت علیهم السلام به عنوان اصلی از اصول پنجگانه دین به شمار آمده و بلافاصله پس از توحید و پیش از نبوت و امامت و معاد ذکر شده است: توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد.

در اندیشه شیعه امامیه -کسانی که تربیت یافته این مکتب اند- تقوای الهی تنها شعاری نیست که فریاد زده شود و مصحفی نیست که در میدانهای سیاسی و جنگ بر سر نیزه ها گردد، بلکه تقوای الهی در ابتدا با منش و رفتار مسلمان با دشمنانش و مخالفان فکریش بروز می یابد و در مرحله دوم با اقامه عدل جوهره دین خداوند در میان مردم، و کفر به ظلم و دروغ دین طاغوت و شیطان جلوه می کند؛ پس از این مراحل نماز و کثرت روزه و دعا و سائر مسائل، عناوین دیگری از تقوای الهی و ایمان به او و عبادتش را تشکیل می دهند: **ان ینال الله لرحمها ولادماؤها ولکن یناله التقوی منکم**؛

اما متأسفانه علیرغم وجود این سازمان فکری، علمی و فرهنگی مقدس با تمام تشکیلات انسانی و دینی و مذهبی اش در مقابل دیدگان امت اسلام، ما از عدالت نسبت به معیارها و اخلاقیات و تفکرات این امت دور شده و در گرداب خصومت ها خصوصا خصومت های فکری و مذهبی و طائفه ای گرفتار آمده ایم حال آنکه اگر خداوند می خواست همه مردم را یک امت واحد قرار می داد!!

موضوع اهل سنت و شیعیان درون پیکره امت اسلام- از زمانی که طاغوت های سیاست و اربابان چگونگی تضعیف این امت، صاعقه برخورد میان آنها را شعله ور کردند، مصداق آشکاری است از اینکه چگونه امت با اراده خویش امر به معروف، عدالت میان مردم، نهی از منکر و ظلم و دروغ را واگذاشت تا آنجا که به خصوص همه آنچه علیه مذهب اهل بیت علیهم السلام و علیه افرادی که به تشیع گرویده اند، برای پیروزی طائفه ای بر طائفه دیگر مباح شمرده می شود و حتی شاهد مسائل بیشتر از آن نیز هستیم. آن زمان که با افرادی به نام وهابیت و سلفیه و با افرادی که از حمایت سیاسی دولتهای شرور و عرب سعودی برخوردارند روبرو می شویم؛ کسانی که به مذهب شیعی افترا می بندند و آنها را با هر وسیله ای به ظلم و دشمنی فرا می خوانند، و این کار را به خاطر تضعیف شیعیان یا دستیابی به چهره فکری روشن اسلامی اشان مجاز می دانند.

اما مساله این نیست که فرقه ضاله ای خارج از مسلمانان به نام وهابیت سلفی از حمایت استعماری و صهیونی آشکاری از سوی مملکت آل سعود در این عصر برخوردار است.. بلکه غم انگیزتر این است که این سکوت اسلامی با این حرکات ضاله و ویرانگر نسبت به اسلام و عزت مسلمانان -به گونه ای که این گروه ضاله با فتوای تفرقه انگیزشان از جنایتهای خود در حق دین و اسلام دست برنمی دارند و سعی دارند از تمام اسلام و اندیشه های آن اسطوره مضحکی برای تمام جهانیان بسازند- باعث نشده تا سایر مسلمانان به خاطر دین و امر به معروف و نهی از وهابیت سلفی منکر در مقابل وهابیتی که در حال ویرانی اسلام و مسلمین است بانگ برآورند.

گویی با همه این اتفاقها، این امت این روزها کاری ندارد جز اینکه به تحقیق تاریخی درباره مسائل پنهانی شیعیان بپردازد تا به وسیله آن اسلام و مسلمین را مورد سرزنش قرار داده و علیه آنان موضع گیری نموده و برای رواج علیه مذهب تشیع و اسلام به گونه ای شگفت کار کنند!!

متأسفانه امت اسلام دیگر آن امتی که ایمان آوردند و به عدالت پایبندند به شمار نمی آیند، حتی امتی که با دشمنانش تقوای الهی پیشه می کند نیز نیست؛ چرا که نسبت به مذهب سنی علیه مذهب شیعی درون پیکره اسلام عظیم با تعصب رفتار می شود و ایمان به خدا و روز قیامت کمرنگ شده و کسی متوجه این مساله نیست که راز عظمت در این است که امانت حکومت در میان مردم به واسطه عدالت است که برپاست و نه به واسطه امیال مذهبی و نه به واسطه عصبیت و هابیت شیطانی که خواهان پیروزی باطلشان بر حق دیگران هستند!!

آخرین فتنه های وهابیت سلفی، فتوای یکی از واعظان سلاطینشان بود که فتوی به #171;خراب کردن مسجدالحرام» داد به دلیل اینکه باعث اختلاط میان مردان و زنان می شود، و ما نیز همانند شیعیان معتقدیم که امت مسلمان در راه دفاع از مقدساتشان و ویرانی نقشه هایی که حتی از طرح خراب کردن مسجدالحرام و خانه عتیق پروردگار و قبله پیامبرشان و کعبه شریف شرم نمی کنند چونان طوفانی شدید خواهند وزید.

ما جزئی از اندیشمندان مسلمان سنی بانگ بیزاری برآورده ایم تا صدای ما به صهیونیست ها و کفار و استعمارگران بیت المقدس در فلسطین برسد که وقتی مساله ویرانی یکی از مقدسات مسلمانان در میان باشد، خشم مسلمانان قابل تصور نیست تا صهیونیست پس از دیدن جمعیت مسلمانان و بیزاری آنها و عکس العملشان جرات خراب کردن مسجد الاقصی و یا فتوی بر خراب کردن مسجدالحرام ندهد... الخ!!

اما به جای همه اینها می بینیم که مسلمانان فتوای وهابیت به خراب کردن خانه خدا را با تعصب مذهبت توجیه می کنند و یک چشم را باز و دیگری را می بندند اما اینها جز توطئه ای برای ویرانی اسلام از درون، چیز دیگری نیست. آری! یکی از مسلمانان، فتوای وهابیت بر خراب کردن مسجدالحرام را توجیه کرد، به راستی چه چیز مانع خراب کردن مسجدالحرام است؟ مگر نه اینکه این مسجد ویران شد و بارها و بارها در تاریخ مسلمانان بازسازی گردید!! اکنون اگر کسی که این فتوا را داده بود از علمای شیعه یا از دانش اموختگان آنها در این زمان کینه توز طائفه ای بود چه اتفاقی می افتاد؟

آیا همین مسلمانان می آمدند تا رضایت خود را از فتوای خراب کردن خانه عتیق پروردگارشان اعلام کنند؟ یا اینکه فتوای شیعی تبدیل به دلیلی برای بدگویی اصول شیعه می شد؟ آنها می خواهند زمینه فکری را برای صهیونیست آماده کنند تا بیت المقدس را در فلسطین خراب کند تنها به بهانه اینکه آنجا چندین بار ویران شده و دوباره در تاریخ بنا شده است؟

چه اتفاقی می افتاد اگر دوباره یک فرد وهابی می آمد و به ضرورت جمع آوری دوباره قرآن به شکلی غیر از آنچه قرآن امروز است فتوی می داد؟ با این دلیل که شکل جمع آوری قرآن قدیمی است و شبهاتی بر عقاید مسلمانان وارد می کند و در ترتیب این قرآن، ناسخ بر منسوخ مقدم است و بخاطر همین باید ترتیب و جمع آوری قرآن دوباره انجام شود؟ آیا فکر می کنید آن موقع همین مسلمانان با تعصب به مذهبشان دست به توجیه این فتوای وهابیت سلفی با همان بهانه ها و دلایل و برهانها می زنند؟ تا به ما بگویند: چه مشکلی وجود دارد؟ آیا قرآن چندین بار از سوی مسلمانان گردآوری نشده است؟ همان که عثمان بن عفان نسخه نهایی آن را گردآوری کرد و بقیه قرآنهای مسلمانان را که ترتیب این قرآن عثمانی را نداشت سوزاند!!

آیا فریادهای تعصب مذهبی این امت را به این سطح از عناد و عصبیت و امر به منکر و نهی از معروف خواهد کشاند؟ آیا امروز یا فردا عالمی از علمای شیعه خواهد آمد تا برای جمع آوری دوباره قرآن کریم تبلیغ نماید؟ در آن صورت آیا عکس العمل ها همان عکس العملها است یا...؟ یا اینکه همه مسلمانان با یک حرکت بیرون خواهند آمد تا اعلان کنند شیعه می خواهد قرآن را تحریف کند؟ و اینکه قرآنی که آنها دارند غیر از قرآن مسلمانان است و نامش مصحف فاطمه است؛ و برای همین شیعه جمع آوری دوباره قرآن را تبلیغ می کند؟

در واقع، این تراژدی است که مسلمانان در معیارهای فکری و اخلاقی خود با آن زندگی می کنند، آنها تا گردن در گودال عصبیت شیطانی جاهلیت فرو رفته اند اما آن را احساس نمی کنند، آنها امروز آخرین امتهایی هستند که می توانند بگویند امت عدل و قسط و انصاف و شهادت به حق و استواری میان همه مردم هستند اما چه بسا امتهای کفر که در قیاس با آنان امروز بیشتر به عدالت با مخالفان و دشمنانشان نزدیک هستند، این امتهایی که از اسلام و تعالیم آن تنها نامش را با خود دارند تبدیل به لکه ننگی برای اسلام شده اند که به اسلام عظیم تهمت می زنند و بهتان می بندند!!

در پایان:

ای مسلمان! اگر خواستی معنای حقیقی تقوای الهی را دریابی، از سخن سخن چین سرزنش کننده به سوی آن نروی و آنها باعث نشوند که تو با بهانه عصبیت مذهبی و یا طائفه ای به برادر مسلمانت کذب و دروغ بینی؛ حق را بگو اگر چه صاحب باطل از نزدیکان تو باشد، و طاغوت را تکفیر کن اگر چه در درون مقدسات که جزئی از میراث توست، پنهان شده باشد!!